

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قطعه‌ای از آسمان

دشمت‌ذو الفقاری آبادان

نویسنده: قاسم صادقی

دبیر مجموعه: احمد دهقان

ناشر: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۸۸-۵۴-۶

صفحه‌آرایی و طراح جلد: حسن ابراهیمی

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۴ | شمارگان: ۳۰۰۰ | قیمت: ۵۰۰۰ تومان

۱) ستاد مرکزی راهیان نور / تلفن: ۸۸۳۴۶۶۶۱-۵

۲) فروشگاه صربیرا خیابان انقلاب / روبروی دانشگاه تهران

۳) پلاک ۱۲۶۶ / تلفن: ۶۶۹۵۴۱۰۸

این کتاب با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است.



قطعه‌ای
از آسمان

دشت
ذوالفقاری
آبادان

قاسم صادقی



ستاد مرکزی راهیان نور

مقدمه

هنگامی که در سی و یکم شهریور ۱۳۵۹ شیپور نبرد حق علیه باطل در جبهه‌های جنگ به صدا در آمد، کمتر کسی گمان می‌برد که اردوگاه‌های جنگی در پشت جبهه‌ها و جای جای منطقه نبرد، روزی زیارتگاه و خانقاه عاشقان شود. اما بلافاصله پس از خاموشی آتش توپخانه‌ها، آن پیر و مقتدای رزمندگان، در پیامی این نوید را داد و خطاب به فرزندان برومندش چنین سخن گفت: «در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی، در میان مردم این مسأله را مطرح نمایند که ثمره خون‌ها و شهادت‌ها و ایثارها چه شد. این‌ها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بی‌خبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است، حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد. و ما برای درک کامل

ارزش و راه شهیدان مان فاصله طولانی را باید پیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملت ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود.»

و هنوز گرد و غبار میادین نبرد فرو ننشسته بود که خیل عاشقان به سوی سرزمین های نور رهسپار شدند. این مسافران، می خواستند از تک تک آن لحظات بشنوند و جای جای مناطق را ببینند تا روح و جان شان با مردان مرد این دیار عجین شود و جرعه ای از پیاله عرفان ناب که از شهادت سرچشمه گرفته است، بنوشند. و به راستی که این دروازه های بهشت، امروزه خانقاه عاشقان شهادت است و زائرانش با بوی شهیدان قوت می گیرند.

مجموعه کتاب های «قطعه ای از آسمان» قصد دارد تا امر مقتدای عاشقان و ولی امر مسلمین را لیک گوید؛ آن جا که فرمودند:

«منطقه بیت المقدس را نشان می دهید، یک مقدار بیابان است،

معلوم است که نیروهای بودند. این که شناسنامه این منطقه معلوم باشد، معلوم بشود که این جا چه اتفاقی افتاده، چه شد که نیروهای مسلح به فکر افتادند که از این منطقه حملات خود را شروع کنند، چطور شد که این چهار مرحله یا پنج مرحله عملیات بیت المقدس پیروز شد، چه رنج‌هایی رازمندگان در این عملیات متحمل شدند تا توانستند به پیروزی برسند، پیروزی چطور به دست آمد، این جا را باید آن کسی که می‌رود، بداند. **برای هر یک از مناطق مهم شناسنامه درست کنید، یک شناسنامه منطقی، نه کتاب مفصل.**

مجموعه کتاب‌های قطعه‌ای از آسمان، شناسنامه تمام مناطق خاطره‌انگیز را پیش روی مخاطبان قرار می‌دهد. نویسندگان این مجموعه بر آنند تا علاوه بر ذکر مشخصات و مختصات هر مکان، با یادآوری خاطرات تاریخ‌سازان آن، مشتاقان را به آن لحظات ناب رهنمون باشند. امید که بتوان قطره‌ای از عطش زائران و مخاطبان را برآورده ساخت.

فصل یکم

چگونگی ایجاد یادمان

میخواهم بگویم که این جنگ یک گنج است آیا ما
خواهیم توانست این گنج را استخراج کنیم...

(حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی))

آبادان در معرض حمله و خطر بود، مثل خونین شهر منتها
تاکید امام که تکلیف شرعی کردند که مبادا آبادان سقوط
بکند نیروهای رزمنده را که در آنجا بودند تقویت کرد البته در
آبادان سپاه آن روز برتر از ارتش بود بعداً ارتش هم در آبادان
مستقر شد و در یک مرحله که نیروهای دشمن از بهمنشیر
عبور کردند و وارد جزیره آبادان شدند بسیج توده مردم و
شرافت نظامی عده ای از نظامیان ما حماسه آفرید و عراقی ها

را در جایی که واقعاً بیرون کردند دشمن از آنجا بسیار دشوار بود کوبیدند و عده ای را کشتن و تار و مار کردند و عده ای را هم در داخل رودخانه انداختن و عده ای هم که توانستن فرار کردند عامل اصلی در حفاظت از آبادان همان فرمان امام بود و داغی که از سقوط خرمشهر در دل برادران وجود داشت .
(مقام معظم رهبری فرمانده کل قوا)

سی و پنج سال از تهاجم نیروهای بعثی عراق با حمایت کشورهای عربی منطقه و عبور آنان از رودخانه کارون و رسیدن به رودخانه بهمنشیر به قصد اشغال شهر آبادان گذشته بود که یکی از رزمندگان سال های دفاع مقدس تصمیم گرفت تا این محل را به عنوان یادمان و زیارتگاه شهدا به ثبت برساند. ابتدا ضمن مشورت با هم رزمان و سپس استخاره با قرآن (سوره رد آیه ۳۶) کارش را شروع می کند.

قاسم صادقی از رزمندگان عضو گروه فدائیان اسلام ابتدا با جمع آوری اطلاعات از خانواده‌های شهدا و هم‌زمان‌شان کار را شروع کرد. به بهشت زهرا(س) تهران رفت بر روی تابلو و سنگ مزار شهدا این گونه نوشت: «اینجانب قاسم صادقی هم‌رزم شهید شما هستم، اگر می‌خواهید بدانید عزیز شما در کجا به شهادت رسیده، با تلفن ۰۹۱۲۱۳۲۷۶۱۱ تماس بگیرید».

چند روز پس از این ماجرا وقتی که خانواده‌ها، فامیل‌ها، هم‌زمان و دوستان شهدا بر سر مزار شهیدان خود برای قرائت فاتحه حاضر شدند با این دست نوشته روبه رو شدند. خوشحال از اینکه بعد از گذشت سه دهه حداقل یک نفر پیدا شده که می‌داند که شهیدمان در کدام نقطه از این سرزمین مقدس آسمانی شده به گرمی از این یادداشت استقبال کردند.

بعد از آن بود که زنگ‌ها یکی پس از دیگری به صدا درآمدند. حاج قاسم هم دفترچه‌ای تهیه کرد و یکی یکی شماره‌ی خانواده‌ها و هم‌زمان شهدا را ثبت کرد.

خواهر شهید سید محمدعلی روحی پور در این خصوص می‌گوید: .. پنج شنبه بعد از ظهر با یک دسته گل رفتم بهشت زهرا

کنار مزار برادرم، داشتم تابلو را تمیز می کردم که چشمم به یک تکه کاغذ که به شیشه چسبانده بودند افتاد، دقت کردم نوشته بود: «اگر می خواهید بدانید...» اول شوکه شدم با تلفن همراهم تماس گرفتم و پرسیدم: شما کی هستی؟ هدف چیست؟ شخصی که تلفن را برداشت گفت من همرم شهید شما هستم. هدف من جمع آوری خانواده‌های شهدایی است که در دشت ذوالفقاری آبادان به شهادت رسیدند. از خوشحالی اشک در چشمهایم جاری شد و خدا را شکر کردم و چند روز بعد همراه با کاروانی که آقای صادقی ترتیب داده بود، رفتیم آبادان. شب را در بیمارستان صحرایی خوابیدیم، بعد از نماز صبح شوهرم زنگ زد و گفت: دیشب خواب دیدم که داری می‌روی به یک دشت که برادرت با یک دسته گل قرمز منتظر تو ایستاده است. همانجا گریه ام گرفت تا زمانی که وارد دشت شدیم و محل شهادت برادرم را آقای صادقی نشان داد، آنجا بود که آرام گرفتم و یکی از آرزوهای بزرگم برآورده شد!

قاسم صادقی با جمع آوری عکس‌های شهدا، تاریخ و محل شهادت و محل دفن آن‌ها را در دفتر تقویمی ثبت و پوستر عکس شهدا را نیز چاپ و توزیع کرد. به این ترتیب او توانست

در مدت سه سال بیش از دویست خانواده شهید را در سراسر کشور شناسایی نماید.

با توجه به استقبال خانواده‌های شهدا و آحاد مردم در بازدید از جبهه پدافندی گروه فدائیان اسلام و درخواست مکرر خانواده شهدا در ارتباط با احیاء این منطقه، آقای صادقی با رایزنی‌های مختلف و دیدارهای حضوری با سرلشگر فیروز آبادی؛ رئیس سابق ستاد کل نیروهای مسلح و نشستی با سرلشگر جعفری؛ فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با گرفتن دست خط موافقت احیای این دشت و با ارائه اسناد و مدارک متقن به کارشناسان و بازدید آنان از این منطقه عملیاتی بکر توانست این نقطه استراتژیک حساس را به ثبت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس و سازمان میراث فرهنگی با نام «یادمان شهدای دشت ذوالفقاری آبادان» برساند. وی سپس با انتقال تجهیزات نظامی، ادوات زرهی و ایجاد خاکریز و سنگر، مبادرت به احیا و بازسازی و نوسازی این منطقه نمود. منطقه‌ای بکر و کاملاً طبیعی و دست نخورده.

قاسم صادقی انگیزه خود برای احیای این منطقه را چنین بیان نموده است:

«... من در گروهی به نام فدائیان اسلام به فرماندهی شهید سید مجتبی هاشمی فعالیت می کردم که در روزهای اول جنگ به استعداد یکصد نفر از تهران وارد خرمشهر و پس از مقاومت ۳۴ روزه به آبادان آمدند. در آن زمان نیروهای داوطلب مردمی متشکل از اقشار مختلف مردمی از سراسر کشور به این منطقه جنگی می رسیدند. طوری که در مدت یک سال قریب به ده هزار نفر از این نیروها جذب گروه فدائیان اسلام شدند. در مقطعی حدود ۱۵۰۰ نفر در هتل کاروانسرا استقرار و توسط سید مجتبی سازمان دهی و روانه‌ی خط ذوالفقاری و زیر پل خرمشهر شدند. تدارکات این مجموعه نیز توسط بازاریان و مردم کشور تامین می شد. بخشی از سلاح و مهمات را از ارتش و بخشی را از دشمن به غنیمت می گیریم. خط پدافندی گروه فدائیان اسلام به طول ۱۷۰۰ متر، روبه روی روستای سادات، در دشت وبا فاصله ی ۵۰۰ متری از دشمن قرار داشت. آن ها با ساخت سنگرهای انفرادی و اجتماعی و ایجاد موانع تاکتیکی به مدت یک سال تمام در سرمای استخوان سوز و گرمای طاقت فرسا با عملیات های چریکی و ایذایی توانستند صدها نیروی متجاوز را در این

منطقه مجروح و به هلاکت برسانند و تعدادی از آنها را نیز
به اسارت دریاورند. در این مدت بیش از صدها شهید و جانباز
و مفقود الاثر تقدیم اسلام، امام و انقلاب کردند.

۲ فصل دوم

گزارش واقعه

با توجه به مقاومت رزمندگان اسلام در خرمشهر، دشمن در تاریخ ۱۹ مهر ۱۳۵۹ با استعداد ۸۰ دستگاه تانک و امکانات مهندسی به فرماندهی سرتیپ ستاد «جواد اسعد شینته» از لشگر ۳ زرهی به سمت آبادان حرکت کرد. سپس با نصب پل شناور ساخت اتحاد جماهیر شوروی در منطقه‌ی مارد از رودخانه کارون عبور کرد. بعد از آن با طرح گسترش نیروهای پیاده در منطقه‌ی اشغالی تعدادی از اهالی روستا را به اسارت و تعدادی را هم شهید کرد. آن‌ها سپس به سمت جاده آبادان اهواز حرکت نموده با شلیک تیر مستقیم تانک ماشین‌های

عبوری را مورد هدف قرار می‌دادند و سرنشینان خودروها را هم به اسارت می‌بردند. در تاریخ بیستم مهر ۱۳۵۹ جاده اهواز به آبادان را اشغال نمودند و به سمت آبادان ادامه مسیر دادند که با حضور به موقع نیروهای سپاه و مردم، مجبور به عقب نشینی شدند.

نیروهای متجاوز به قصد اشغال آخرین جاده‌ی مواصلاتی شهر آبادان به ماهشهر در تاریخ ۲۲ و ۲۳ مهر ۱۳۵۹ خود را به این جاده رساندند و با اسارت گرفتن بیش از ۹۰۰ نفر از مردم بی گناه و هدف قرار دادن خودروهای عبوری جمعی را به شهادت رساندند. آن‌ها شادمان از این اقدام برای اشغال شهر آبادان حرکت کردند. در همین حال رزمندگانی که در شهر حاضر بودند مطلع می‌شوند و سراسیمه همراه با نیروهای سپاه و کمیته و نیروهای داوطلب مردمی آبادان و شهرستانی‌ها، خود را به منطقه ساختمان ایران گاز رساندند و مانع پیشروی دشمن شدند.

نیروهای دشمن از هفت کیلومتری جاده‌ی ماهشهر-آبادان و با قطع و تخریب لوله‌های نفت و با واحدهای زرهی و پیاده خود، وارد دشت شدند. در این زمان محمدجواد تندگویان؛

وزیر وقت نفت جمهوری اسلامی ایران به همراه تعدادی از همکاران و پرستارها که از تهران اعزام منطقه شده بودند، در این محل به اسارت نیروهای متجاوز بعثی گرفتار شدند.

در همین حال دشمن در صدد پیشروی به سمت ماهشهر می شود که در تاریخ سوم آبان ۱۳۵۹ یگان زرهی ارتش جمهوری اسلامی به استعداد ۲۰ دستگاه تانک چيفتن مانع عبور آنها می شوند و در این کار زار بر اثر بمب باران هوایی دشمن، تعدادی دستگاه تانک خودی منهدم و الباقی حالت دفاعی به خود می گیرند. در این زمان نیروهای پیاده ارتش و نیروهای سپاه و مردمی از ماهشهر به این سمت اعزام و خط پدافندی تشکیل می شود.

در چنین شرایطی فرماندهان ارتش، سپاه، فدائیان اسلام، جهاد، شهربانی، ژاندارمری با هماهنگی هم، محلی را برای برنامه ریزی و مقابله با دشمن تدارک می بینند به نام (اتاق جنگ) که واقع در شهر آبادان، پشت کلیسا، ساختمان بانک ملی قرار داشت.

وقتی خبر اشغال شهر خرمشهر در تاریخ ۴ آبان ۱۳۵۹ به فرماندهی دشمن که مستقر در محور آبادان رسید با نیروی

بیشتری به قصد محاصره کامل شهر آبادان اقدام کرد. فرماندهی نیروهای متجاوز بعثی با لافاصله با ایجاد موانع، طرح گسترش یگان زرهی خود را اجرا می‌کند. سپس با توجه به اعزام نیروهای گشتی - شناسایی، همراه با عناصر ستون پنجم و کسب اطلاع از روستای سادات و کوی ذوالفقاری، عملیات اشغال روستا و تصرف رودخانه بهمنشیر را در دستور کار خود قرار داد. به گونه‌ای که در شامگاه ۵ آبان ۱۳۵۹ ضمن استفاده از با اصل غافلگیری، بدون درگیری وارد روستای سادات شد و به مدت دو روز دست به قتل و غارت و به اسارت در آوردن مردمان بی‌دفاع از این روستا نمود. در این زمان مردم شهرهای آبادان و خرمشهر با بسته شدن دو جاده‌ی آبادان به اهواز و آبادان به ماهشهر از طریق جاده قفاص برای خروج از شهر اقدام کردند که با هجوم سراسری یگان زرهی دشمن مواجه شدند. در این مقابله نابرابر تعدادی از نیروهای مردمی شهید و تعدادی از آنها هم به اسارت برده شدند.

دشمن در تاریخ ۷ آبان ۱۳۵۹ به صورت شبانه با نصب پل شناور بر روی رودخانه بهمنشیر، طرح گسترش نیروی پیاده همراه با ادوات جنگی و دستگاه‌های مهندسی به قصد تصرف

جاده خسرو آباد و رسیدن به رودخانه اروند را در ستور کار خود قرار داد.

در تاریخ هشتم آبان ۱۳۵۹ نیروهای پیاده‌ی دشمن از نخلستان‌های کوی ذوالفقاری تا قبرستان مستقر شدند. آنها سپس اقدام به ایجاد موانع نمودند. نیروهای گشت شناسایی دشمن در منطقه کوی ذوالفقاری با پوشیدن لباس محلی به کسب اطلاعات و اخبار پرداختند. در تاریخ نهم آبان ۱۳۵۹ دریاقلی سورانی؛ معروف به غلام اوراچچی، متوجه سر و صدا در اطراف محل کار خود شد. او وقتی با حساسیت بیشتری منطقه را دید زد، و با چشمان بیدار خود نیروهای بیگانه‌ی نظامی را که با زبان عربی برای پیشروی به سمت جاده‌ی خسروآباد حرکت می‌کردند، شناسایی کرد. وی سپس با عجله و اضطراب سوار بر دوچرخه‌اش و به دور از چشم دشمن، خود را به پایگاه بسیج کوی ذوالفقاری رساند و خبر ورود دشمن را به آن‌ها اطلاع داد. پس از آن به پادگان خسرو آباد، نزد برادران ارتش به فرماندهی سرهنگ کهتری رفت و آن‌ها را هم مطلع کرد. دریاقلی در مسیر راه تمامی مردم را از ورود نیروهای متجاوز باخبر کرد. به پاسگاه ژاندارمری هم رفت و به

آنها هم خبر داد. سپس روانه شهر شده و به مقر سپاه رسید و به نگهبان آنجا گفت: با فرمانده‌تان کار دارم. در این لحظه برادر بنادری فرمانده وقت عملیات سپاه آبادان جلوی در آمد و دریاقلی خبر ورود دشمن را به او اطلاع داد. مجدداً سوار بر دوچرخه‌ی خود شد و به هتل کاروانسرا؛ مقر گروه فدائیان اسلام رفت و به سیدمجتبی هاشمی؛ فرمانده این گروه هم اطلاع داد که نیروهای عراقی به سمت شهر حرکت کرده‌اند. از اینجا بود که با بسیج همه گروه‌های نظامی، شبه نظامی، مردمی و جوانان غیرتمند شهر آبادان، حماسه‌ی دفاع جانانه از این شهر شکل گرفت و به عنوان حماسه بزرگ کوی ذوالفقاری در تاریخ ماندگار شد.

۳ فصل سوم

پوزه دشمن به خاک مالیده می‌شود

صبح روز دهم آبان ۱۳۵۹ هواپیماهای جنگنده‌ی جمهوری اسلامی ایران طی چند عملیات جنگی، توانستند پل شناوری که دشمن بر روی رودخانه بهمنشیر نصب کرده بود را بمب باران کنند.

در همین حال نیروهای رزمنده با دیدن چنین صحنه‌ای به وجد آمدند و با هر وسیله‌ای که در دست داشتند، اعم از: قایق‌های محلی-تیوپ ماشین-درب چوبی و... خود را به آن سوی رودخانه رساندند و با درگیری تن به تن با دشمن وارد نبردی نابرابر شدند.

در کتاب سرداران سوله پیرامون درگیری رزمندگان در جبهه‌ی آبادان می‌خوانیم:

یکی از مجروحین ایرانی، جوان قوی هیکل و خوش قیافه‌ای از فدائیان اسلام بود. پانسمانی در ناحیه کتف او در خط اول گذاشته بودند. خوشرو، روی تخت خود نشسته و سیگار می‌کشید. مشغول تماشای دیگران و شنیدن قصه‌های آنان بود. وقتی برای معاینه زخم او رفتم و پانسمان را برداشتم، یک شکاف عمیق و بزرگ در ناحیه کتف او دیدم. با تعجب پرسیدم، این چیست؟ گفت: «زخم سر نیزه‌ی یکی از عراقی‌هاست.»

گفتم: «یعنی انقدر نزدیک بودند که با سرنیزه تو را مجروح کردند!»

گفت: «بعد از حمله عراقی‌ها به قصد محاصره آبادان، تو کوی ذوالفقاری جنگ تن به تن شد. مشغول درگیری با یک نفر دیگر بودم که سرباز عراقی از پشت با سرنیزه به من حمله کرد. من هم با کلتی که داشتم هر دو را فرستادم به درک.» پرسیدم وضع جنگ به کجا انجامید؟ گفت: نیروهای عراقی را عقب راندیم. فعلا شکست خوردند.»

در این زمان یک گردان از نیروهای سرهنگ کهتری با تجهیزات کامل خود را به منطقه ذوالفقاری رساندند. به این ترتیب طرح گسترش نیروها در کنار جاده خسرو آباد و داخل نخلستانها، همراه با تکاوران نیروی دریایی و نیروهای مردمی برای مقابله با دشمن شکل گرفت.

نیروهای رزمنده از نخلستان‌های روستای سادات تا روستای مدن بصورت دشت بان با عملیات چریکی با دشمن درگیر می‌شدند و آتش سلاح نیمه سبک ارتش در این زمان کارساز و دشمن را زمین گیر و هراسان کرده بود.

در روز چهاردهم آبان ۱۳۵۹ از دفتر امام خمینی (ره)، سید احمد آقا، تلفنی با فرماندهان سپاه در آبادان تماس گرفت تا از وضعیت این شهر با خبر شود و آن را به اطلاع امام خمینی برساند. در این روز حضرت امام در حسینیه جماران برای مردم سخنرانی کرد و طی آن سخنرانی اعلام نمود که «حصر آبادان باید شکسته شود» و من منتظرم که این حصر از بین برود و هشدار می‌دهم به پاسداران، قوای انتظامی و فرماندهان قوای نظامی که باید این حصر شکسته شود و مسامحه نشود در آن، حتما باید شکسته بشود، فکر این نباشند که ما اگر اینها هم

آمدند، بیرونشان می‌کنیم، اگر این‌ها آمدند خسارت بر ما وارد می‌کنند، نگذارید این‌ها بیایند در آبادان وارد بشوند. «صحیفه نور، جلد پانزدهم، صفحه ۲۵۴»

در این زمان با عبور رزمندگان اسلام از رودخانه ی بهمنشیر، چهل نفر از نیروهای تازه نفس هم به جمع گروه فدائیان اسلام پیوستند. سیدمجتبی هاشمی بلافاصله آنها را در منطقه عملیاتی مستقر کرد. این گروه که فرماندهی آنها را فردی به نام شاهرخ ضرغام به عهده داشت، اکثراً مجهز به قمه و چاقو وارد صحنه‌ی نبرد با دشمن شده بودند. آنها با ابتکارات خود، جنگ روانی سختی به راه انداخته بودند. طوری که دشمن از عملکرد آنها به وحشت افتاد. چند روز در نخلستان‌های روستای سادات، ضمن با درگیری با دشمن تلفات زیادی به آنها وارد کرده بودند. در این مبارزه تن به تن تعدادی از رزمندگان هم به شهادت رسیده و نیز عده‌ای از آنان مجروح شده بودند.

در تاریخ بیستم آبان ۱۳۵۹ بر اثر استقامت رزمندگان اسلام، دشمن از حالت تهاجمی خارج و به مواضع دفاعی که در دشت احداث کرده بود، پناه برد و این سر آغاز اولین شکست

دشمن در آخرین محل تجاوز بود که بایستی در تاریخ ثبت شود.

رزمندگان اسلام متشکل از نیروهای مردمی و عشایر شهر آبادان و خرمشهر و نیروهای دوطلب مردمی که از سراسر کشور و حتی تعدادی از ایرانی‌های مقیم خارج از کشور برای دفاع از آبادان و خرمشهر آمده بودند، همراه با نیروهای سپاه-ارتش [۱] کمیته انقلاب-جهاد سازندگی-ژاندارمری-شهربانی-طلاب و روحانیون و گروه موسوم به فدائیان اسلام با همدلی و همکاری مستمر توانستند دشمن را از نخلستان‌های روستای سادات و مدن به عقب برانند. با این اقدام دشمن به ناچار در شمال جاده قفاص با ایجاد مواضع به تشکیل خط پدافندی به قصد تهاجم مشغول به فعالیت شد.

با استقرار رزمندگان اسلام کنار جاده قفاص از روستای سادات تا ایستگاه هفت، یک خط پدافندی توسط بلدوزر و لودر جهاد سازندگی احداث کردند. در این مسافت ۹ کیلومتری، حالت تهاجمی رزمندگان مانع پیشروی دشمن شود.

در این زمان بچه‌های سپاه-شرکت نفت جهاد سازندگی فارس با همراهی گروه‌های دیگر توانستند، طرح یک پل

متحرک به وسیله‌ی بشکه‌های خالی ۲۲۰ لیتری تخته و الوار به صورت شناور پیوسته به هم بسازند و بر روی رودخانه بهمنشیر به آب بیندازند تا نیروهای رزمنده به راحتی بتوانند بخشی از ادوات سبک و خودروهای سبک را به آنطرف رودخانه برای پشتیبانی نیروهای در خط انتقال بدهند.

با فرا رسیدن ماه محرم رزمندگان اسلام لباس‌های مشکی را بر تن کردند و پرچم‌های عزای امام حسین (علیه السلام) را در محل‌هایی که استقرار داشتند برافراشتند و با ذکر یا حسین به مواضع دشمن حمله کردند و دشمن در این دشت استقامت نمود.

گرما و تشنگی نیروها را کلافه کرده بود در این زمان محمد یزدانی با چند نفر از بچه‌ها آبرسانی به رزمندگان را شروع نمودند که گلوله مستقیم تانک دشمن به بدن محمد یزدانی اثابت کرد و سقای ما را قطعه قطعه کرد. با فرمان سید مجتبی بچه‌ها تکه تکه بدن این شهید را جمع کردند. در این وقت نماز ظهر فرا رسید یکی از بچه‌ها اذان گفت و دسته جمعی به نماز ظهر مشغول شدیم و پیکر پاک این شهید را بر روی برانکارد در جلوی صف گذاشتیم. تا زمانی که نماز بر پا بود

از سوی دشمن هیچ تیری به سمت ما شلیک نشد. مدتی بعد چند نفر از نیروهای دشمن به سمت ما شروع به حرکت کردند، در صورتی که پیراهن های خودشان را در آورده بودند، سید مجتبی گفت بچه ها اینها را زنید تا ببینیم چه می شود، وقتی نیروهای دشمن به مواضع ما رسیدند بچه ها به استقبالشان رفتند و آنها را پشت خاکریز خودمان نشانیدیم، یکی از بچه ها که عربی بلد بود از آنها پرسید چی شد شما پناهنده شدید. این اسرا ابراز داشتند قبل از شروع جنگ صدام در سخنرانی های خود در شهر های مختلف عراق اعلام می کرد که ما به جنگ ایرانی های مجوس- آتش پرست و کفار می رویم، لذا ما به همین قصد با شما می جنگیدیم. ولی امروز نماز جماعت شما را که دیدیم شما را مسلمان واقعی دیدیم و عملکرد گذشته پشیمان شدیم و تصمیم گرفتیم به صف شما رزمندگان اسلام بپیوندیم.

۴ فصل چهارم

خطوط مستحکم دشمن و خط پدافندی خودی

در اواسط ماه آذر ۵۹ دشمن از حالت آفندی به پدافندی تغییر تاکتیک داد و با پیشرفته ترین دستگاه های مهندسی اقدام به حفر کانال و ایجاد میدان مین و احداث دژها و خاکریزها و ساخت سنگرهای مستحکم، خط پدافندی تشکیل داد. در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۵۹ طی یک هماهنگی به عمل آمده بین نیروهای رزمنده و رزمندگان ارتش، مقرر می شود با حمایت توپخانه ارتش به سمت خاکریزهای دشمن حمله انجام بگیرد.

عملیات از نیمه های شب شروع شد و درگیری شدید بین رزمندگان و نیروهای دشمن رخ داد که در نتیجه آن تعدادی از نفرات دشمن به هلاکت رسیدند و تعدادی اسیر شدند. در اولین ساعات صبح روز ۱۷ آذر مصادف با ۲۹ محرم ، دشمن با اعزام نیروهای تازه نفس و یگان های زرهی اقدام به ریختن آتش تهیه بر روی رزمندگان اسلام نمود که در نتیجه تعداد قابل توجهی از رزمندگان به شهادت و تعدادی نیز زخمی شدند. با روشن تر شدن هوا، دشمن به قصد تصرف خاکریزهای از دست داده، اقدام به تک نمود که در این حین سید مجتبی هاشمی و شاهرخ ضرغام به همراه افراد گروهش سرسختانه مقاومت کردند. این امر باعث شد تا نیروهای دشمن با عصبانیت تمام و با به پرواز در آوردن هلی کوپترهای توپدار، مواضع رزمندگان را هدف قرار دهند تا یگان زرهی شان بتوانند به راحتی پیشروی نمایند. در این لحظه شاهرخ ضرغام با سلاح آرپی جی از پشت خاکریز بلند شد تا تانک دشمن را هدف بگیرد که مورد اصابت گلوله ی دوشکا قرار می گیرد و بر زمین می افتد. هم چنین سید مجتبی از ناحیه دست مجروح می شود. نیروهای دیگر که با مشاهده ی این صحنه

روحیه‌ی خود را از دست داده بودند، اقدام به عقب‌نشینی می‌کنند. در این حال به علت باتلاقی بودن منطقه‌ی نبرد، نیروها نمی‌توانند پیکر پاک شهید شاهرخ ضرغام را به عقب بر گردانند. آنها هر چه توانستند، فقط زخمی‌ها و شهدا را به عقب انتقال دادند. اما پیکر ایشان به همراه پیکرهای تعدادی از نیروهای زخمی و شهید در این منطقه جا ماند. پس از آن هواپیماهای دشمن با بمب باران این منطقه، شاهرخ و تعدادی از رزمندگان زخمی را به شهادت رساند. از آن روز تا کنون هیچ اثری از این شهدا یافت نشد.

متعاقباً مجموعه رزمندگان اسلام متشکل از نیروهای سپاه، ارتش، کمیته انقلاب و ژاندارمری، جهاد سازندگی و نیروهای مردمی و گروه فدائیان اسلام از ضلع شمالی جاده قفاص روبروی روستای سادات هر نمادی برای حفظ شهر آبادان خاکریزی را در مسافت معین ایجاد می‌کنند و با ساخت سنگرها به دفاع می‌پردازند. طول این خط پدافندی از روستای سادات تا کنار رودخانه کارون حدوداً ۱۸ کیلومتر تا روستای فیاضیه می‌باشد و تلاقی رودخانه کارون و بهمنشیر خط پدافندی موسوم به خط پدافندی گروه فدائیان اسلام به فرماندهی شهید سید

مجتبی هاشمی در این دشت در آخرین نقطه خط پدافندی می باشد به طول حدوداً ۱۷۰۰ متر با دو خاکریز به نام های الله و علی که سنگرهای تجمعی با گونی، پلیت، الوار و تراورز ساخته می شود.

با توجه به اینکه این گروه مردمی و خودجوش بود هر طیفی برای خودشان سنگری را احیاء می کنند و به دفاع می پردازند. که عناوین سنگر ها به شرح ذیل می باشد:

سنگر لوتی ها و داش مشتی ها.

سنگر سربازان منقضی سال ۵۶.

سنگر طلاب و روحانیون، سنگر دکترهایی که از امریکا آمدند.

سنگر کمیته انقلاب اسلامی.

سنگر سه نسل (پدر، پسر، نوه).

سنگر خواهران خرمشهری و اعزامی.

سنگر اقلیت های مذهبی و ...

سنگر معلمین و دانش آموزان.

سنگر کارگران و ...

در تاریخ بیستم دی ۱۳۵۹ طی یک هماهنگی مشترک بین نیروهای ارتش و سپاه و نیروهای داوطلب مردمی، اقدام به یک عملیات رزمی علیه دشمن صورت پذیرفت. با توجه به نامناسب بودن زمین عملیات و باتلاقی بودن و سرمای زیاد و همچنین کمبود تجهیزات، این عملیات ناموفق و باعث به شهادت رسیدن رزمندگان و مجروح شدن آنان شد. این حرکت تجربه‌ای شد، که تا خشک شدن آب می بایست برای تثبیت خط پدافندی تدابیری اندیشید. پس از آن در تاریخ ۲۷ دی ۱۳۵۹ عملیاتی به نام توکل توسط سپاه و نیروهای بسیج آبادان در حدفاصل روستای سادات تا ایستگاه هفت انجام گرفت که به موفقیت‌هایی هم دست پیدا کرد. پس از این برای خطوط پدافندی برنامه ریزی کردند و نیروهای مستقر در خطوط اول با شناسایی و حفر کانال‌های ایدایی بین خاکریزهای خودی و دشمن سعی کردند خودشان را به خطوط دشمن نزدیک کنند. آنها تلاش کردند خاک‌ها را با گونی به عقب بیاورند. سیدمجتبی هاشمی به آن‌ها می‌گوید که دشمن متوجه نشود زمین دست خورده است. او همراه با

نیروهایش شبانه با کوبیدن به بشکه‌های خالی سر و صدا ایجاد می کردند، و (حسین لودرچی راننده) با لودر از خط خودی می گذشت و به سمت دشمن می رفت و چندین متر خاکریز احداث می کرد و قبل از طلوع آفتاب باز می گشت. وقتی هوا روشن می شد دشمن با دیدن منطقه متعجب و حیران می شد و با اعزام هلی کوپتر و هواپیما اقدام به بمب باران این خاکریزها می نمودند.

جنگ تقریباً بصورت فرسایشی در آمده بود و هیچ گونه تحرک خاصی از سوی ما و دشمن صورت نمی گرفت، با گذشت ماه بهمن ۱۳۵۹، کم کم مسئولین لشگری و کشوری به آبادان آمدند و از خطوط پدافندی بازدید نمودند. در این جمع آیت الله جمی؛ امام جمعه شهر آبادان با همراهی کردن سایر مسئولین از استقامت و ایثار مردم و رزمندگان اسلام، با ذکر خاطراتی، آن ها را توجیه می کرد.

از فروردین ۱۳۶۰ با انجام اقدامات مهندسی، واحداث جاده‌ای به نام وحدت، حد فاصل روستای سادات در شمال جاده ی قفاص تا جاده ماهشهر، این جاده به بهره برداری رسید.

پس از آن با حضور مسئولین لشکری و کشوری در جمع رزمندگان و مردم شهر آبادان، بسیاری از مشکلات خود به خود حل شد.

از اردیبهشت تا خرداد ۱۳۶۰ دو عملیات ایذایی با نام «تپه مدن» در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ و عملیات «فرماندهی کل قوا» در تاریخ دوم خرداد ۱۳۶۰ در محور خطوط پدافندی آبادان انجام شد.

در تاریخ بیستم خرداد ۱۳۶۰ سرانجام ابوالحسن بنی‌صدر؛ رئیس‌جمهور اسلامی ایران توسط امام خمینی از مسئولیت فرماندهی کل قوا عزل شد. این اقدام شور و شعفی در جبهه‌ها به وجود آورد.

شهید دکتر مصطفی چمران فرمانده گروه جنگ‌های نامنظم در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ به منطقه عملیاتی آبادان آمد و با سرکشی از خطوط عملیاتی و پدافندی شهر به خط پدافندی گروه فدائیان اسلام هم سر زد و از اقدامات این گروه متعجب شد.

وی از سیدمجتبی هاشمی درخواست کرد تا در آینده نزدیک گروه فدائیان اسلام و گروه چریکی جنگ‌های نامنظم مشترکاً

عملیات پی در پی علیه دشمن داشته باشند. پس از پایان جلسه دکتر چمران به اهواز و سپس به دهلاویه رفت و در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ به شهادت رسید.

همزمان با شهادت دکتر چمران، نیروهای رزمنده مستقر در آبادان با نیت تقدیر و تشکر از حضرت امام که بنی صدر را از فرماندهی عزل نمودند، عملیاتی را به نام ولی فقیه انجام دادند و بخشی از مناطق اشغالی را آزاد کردند.

با فرارسیدن تابستان و گرمای بیش از حد و مگس‌های مزاحم در روز و پشه‌های سمج در شب مزاحم رزمندگان می‌شدند. این وضع تا اوایل مرداد ۱۳۶۰ ادامه داشت.

در تاریخ چهارم مرداد ۱۳۶۰ عملیاتی به نام عملیات شهید چمران انجام گرفت که در آن علاوه بر گروه فدائیان اسلام رزمندگان سپاه و بسیج، ارتش و نیروهای مردمی شهرهای خمینی شهر، کرج، شیراز، تبریز، قزوین، قم، بوشهر، کاشان، اصفهان و... حضور داشتند که با یک هماهنگی و همدلی به سمت خاک ریزهای دشمن حمله بردند و توانستند هفت کیلومتر از خطوط پدافندی دشمن را به تصرف خود درآورند. طوری که نیروهای اشغالگر عقب‌نشینی نموده و

به ناچار در یک کیلومتری جاده ماهشهر به آبادان، خطوط
پدافندی جدیدی ایجاد نمودند.

۵ فصل پنجم

شکست حصر

با پیام حضرت امام خمینی فرماندهان نظامی، انتظامی و نیروهای داوطلب مردمی با تشکیل جلسه طرح عملیات را با مشورت و تبادل نظر به تصویب رسانند. عملیات (شکست حصرآبادان) با نام ثامن الائمه و با رمز نصر من الله و فتح القریب ساعت یک بامداد ۱۳۶۰/۷/۵ از سه محور، شمال: جاده اهواز به آبادان، جنوب: روستای فیاضیه تا ایستگاه هفت، شرق: دشت ذوالفقاری منتهی به جاده آبادان - ماهشهر آغاز شد.

رزمندگان اسلام در ساعات نخست عملیات با پیشروی به مواضع و در هم شکستن مقاوت یک ساله ی دشمن ، را تعقیب وبا روشن شدن هوا تا کنار رودخانه ی کارون به عقب راندند و رزمندگان روز دوم عملیات با حضور خود در سنگر ها، خاکریزها، خندق ها و محل استقرار ادوات دشمن به پاکسازی پرداختند و تعدادی از رزمندگان در این دشت به دنبال شهدای مفقود خود مشغول شدند و تعداد قابل توجهی از ادوات دشمن را به غنیمت گرفتن و تعدادی از نیروهای دشمن را به اسارت در آوردند. لودرهای جهاد سازندگی نیز اجساد کشته های دشمن را دفن می کردند.

نیروهای خودی از محور های مختلف با وارد آوردن خسارت جبران ناپذیر به دشمن ، آنها را تا رودخانه ی کارون به عقب راندند . پس از شکست کامل حصر آبادان ، رزمندگان اسلام جبهه ی جدیدی در کنار شرق رودخانه کارون با احداث سنگرها تشکیل و خط پدافندی ایجاد نمودند .

دشمن بعضی در این مدت یک ساله بیش از سه هزار نفر تلفات و ۱۸۰۰ اسیر و صدها زخمی و با انهدام صدها دستگاه

ادوات جنگی و مهندسی با سرشکستگی و خفت شکست را پذیرفت.

خبر پیروزی رزمندگان اسلام بازتاب گسترده ای در ایران و کشورهای جهان داشت.

امام خمینی (ره) در پاسخ به تلگرام فرمانده هان نظامی پیامی به این شرح فرستادن:

تیمسار سرتیپ فلاحی، تیمسار سرتیپ ظهیرنژاد و جناب آقای محسن رضایی ایدهم الله تعالی. تلگرام شما در خصوص فتح بزرگ که خداوند تعالی نصیب ارتش، نیروی هوایی و هوانیروز، سپاه پاسداران، بسیج ژاندارمری، فداییان اسلام و سایر نیروهای مردمی فرموده و محاصره ی آبادان به طور کامل شکسته شده است، واصل گردید. این جانب این پیروزی بزرگ را به فرماندهان، تمامی نیروهای مسلح و به سربازان ارجمند و سپاهیان نیرومند تبریک می گویم و امید است این سرافرازی ها را که برای اسلام و میهن فراهم می کنند، منظور نظر مبارک ولی الله لاعظم بقیه الله ارواحا له الفداء باشد و آخرین پیروزمندی را که بیرون راندن

نیروهای متجاوز کافر از سرزمین های میهن مان است. ملت شریف به زودی مشاهده می کنند. این جانب به اسم ملت بزرگ ایران از رزمندگان دلیر ارتش و سپاه قوای مسلح ایده‌م الله تعالی تقدیر و تشکر می کنم. از خداوند متعال توفیق، نصرت و عظمت اسلام و مسلمین و به خصوص نیروهای مسلح اسلامی را خواستار است. پس از پایان عملیات و هنگام عزیمت تعدادی از فرماندهان نظامی برای ارائه ی گزارش عملیات به امام خمینی (ره) هواپیمای سی ۱۳۰ حامل آنها در نزدیکی تهران سقوط کرد. در این سانحه ی دردناک، محمد جهان آرا فرمانده سپاه خرمشهر، جواد فکوری فرمانده نیروی هوایی ارتش، یوسف کلاهدوز قائم مقام فرمانده سپاه پاسداران، ولی الله فلاحی رییس ستاد مشترک ارتش و موسی نامجو وزیر دفاع و نماینده ی امام در شورای عالی دفاع که همگی از فرماندهان ارشد جنگ و طراحان و مجریان عملیات شکست حصر آبادان بودند، به شهادت رسیدند. این حادثه دو روز پس از عملیات ثامن الائمه (ع) و در هفتم مهر ۱۳۶۰ به وقوع پیوست.

برادر محسن رضایی فرمانده ی اسبق کل سپاه پس از شکست حصر آبادان فرمودند : عملیات ثامن الائمه نقطه عطف و به عنوان مبداء آغاز استراتژی مرحله ی دوم جنگ می باشد و یکی از نقاط اعتماد به نفس و حلقه واسط و مبداء تحول بوده .
(کتاب جنگ ، بازیابی ثبات ، صفحه ۱۵۰)

فصل ششم

تقدیر و تشکر

ضمن آرزوی سلامتی برای مردم شریف و خون گرم و شهید پرور شهرهای خرمشهر و آبادان و رزمندگان غیور ولایت پذیر این دو شهر که قبل از انقلاب و در انقلاب و در جنگ هزاران شهید تقدیم اسلام نموده اند و با استقامت و پایداری درس ایثار و شهادت را به منحصه ظهور گذاشته اند و با مهمان نوازی و دلجویی و میزبانی از رزمندگان ارتش ، جهاد ، سپاه ، گروه فداییان اسلام و نیروهای داوطلب مردمی که از سراسر کشور برای دفاع حضور داشتن و همچنین با تشکر و قدر دانی از خانواده معظم شهدا که با صبوری خود درس استقامت را برای ما مشق و در این جهاد الهی و مقدس حضور داشتن باعث افتخار ما می باشند .

کلام آخر

لازم است یادی کنیم از حجت الاسلام غلامحسین جمی (امام جمعه فقید شهر آبادان) که با استقامت جهت اقامه نماز جمعه در سخت ترین شرایط با ایراد خطبه های آتشین ، ما را مستفیض می نمود .

این اثر حاصل کوششی است در راه گشودن یک منظر بر رخداد های تاریخ ماندگار دفاع مقدس ملت سلحشور ایران زمین در نقطه استراتژیک در عمق ۵۰ کیلومتری خاک ایران و در آخرین خط دفاعی و خاکریز های تهاجمی نیروهای دشمن و همچنین خط پدافندی رزمندگان اسلام تدوین و نگاشته شده است .

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است سپس [باز] خداست که نشاء آخرت را پدید می آورد خداست که بر هر چیزی تواناست. (سوره نمل آیه ۶۹)

دل های بهاری

کرده دلها را بهاری دشت سرخ ذوالفقاری

این زمین تشنه در خود لاله ی خفته دارد از برای زائرش قصه ها نا گفته دارد
در فراق سینه سرخان ، سینه ای آشفته دارد داغ های بی شماری در جگر بنهفته دارد
می کند گر بی قراری دشت سرخ ذوالفقاری

کرده دست قدر حق ، مخزن الاسرار اینجا می درخشد با طراوت جلوه ی دلدار اینجا
ساکنانش با ستمگر کرده اند پیکار اینجا بذل جان در راه جانان کرده اند احرار اینجا
خون کند از دیده جاری دشت سرخ ذوالفقاری این بهشتی که همینک ذوالفقاری نام دارد
هاشمی و رستمی و شیردم و ضرغام دارد

از برای یادگاری دشت سرخ ذوالفقاری

بوی خون پیچیده اینجا از شقایق های پرپر از جوانان فداکار و مطیع امر رهبر
از شهیدان عزیز و لاله های سرخ بی سر میشود فصل بهاران باغ جان اینجا معطر
کرده از دین پاسداری دشت سرخ ذوالفقاری

آسمان می خواند اینجا روضه ی شاه شهیدان دارد اینجا در دل خود داغ جانکاه شهیدان
این زمینه تشنه روزی شد قدمگاه شهیدان تا که بسپارد به ماهها سرخی راه شهیدان
در جهاد پایداری دشت سرخ ذوالفقاری

اشعار فوق توسط شاعر اهل بیت حاج علی اکبر شجاعان از شهرستان استهبان فارس در دیدار از دشت ذوالفقاری فی البداهه سروده شده است.





دیدار حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) با گروه فدائیان اسلام در آبادان



گروه فدائیان اسلام - بهار سال ۱۳۶۰ مقر هتل کاروان سرا



تصاویر نوجوانی و جوانی شهید والامقام شاهرخ ضرغام



غنیمت گیری کلاه افسر رژیم بعث صدام توسط شهید ضرغام



شهید والامقام سید مجتبی هاشمی - جبهه ی ذوالفقاری



غنیمت گیری گروه فدائیان اسلام از رژیم بعث صدام
کوی ذوالفقاری ۵۹/ ۸/ ۱۰



غنیمت گیری گروه فدائیان اسلام از رژیم بعث صدام - کوی ذوالفقاری ۵۹/۸/۱۰



شهیدان دکتر مصطفی چمران و سید مجتبی هاشمی
دو دیدبان ولایت - ننگهانی از اسلام



گروه فدائیان اسلام - مهرماه ۱۳۵۹



گروه فدائیان اسلام - اولین پل بشکه ای ساخت جهاد سازندگی



نماز بر پیکر شهید والامقام محمد یزدانی - روز عاشورا در دشت ذوالفقاری



شهید والامقام سید مجتبی هاشمی و سید محمود صندوقچی



غنیمت گیری گروه فدائیان اسلام از رژیم بعث صدام
مهرماه ۱۳۶۰



شهید والامقام شاهرخ ضرغام در دفاع از روستای سادات - آبان ماه ۱۳۵۹



انهدام ماشین جنگی دشمن در کوی ذوالفقاری - آبان ماه ۱۳۵۹



گروه فدائیان اسلام به همراه خواهران رزمنده - جبهه ذوالفقاری - آذرماه ۱۳۵۹



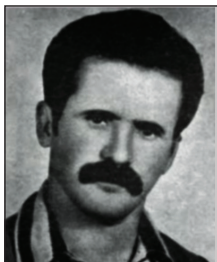
شهید والامقام قاسم رضایی و قاسم صادقی - جبهه ذوالفقاری - زمستان ۱۳۵۹



انهدام تانک و نفرات دشمن توسط گروه فدائیان اسلام



نماز در میدان جنگ - ظهر عاشورا - دشت ذوالفقاری ۱۳۵۹/۸/۲۸



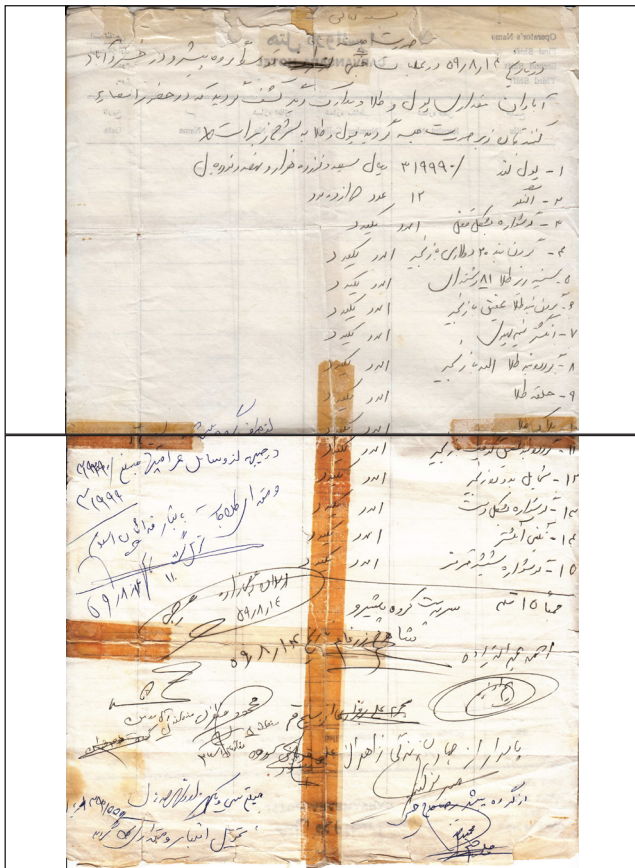
شهید دریاقلی سورانی
منجی آبادان



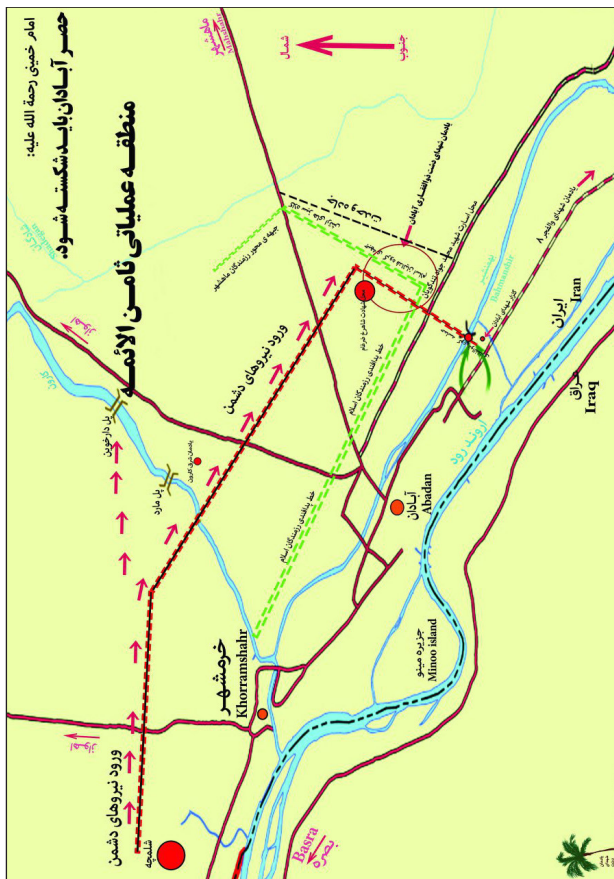
امیر منوچهر کهرتری
فرمانده نیروهای ارتش در آبادان



آیت ا... غلامحسین جمی
امام جمعه مجاهد شهر آبادان



سند بازپس گیری اموال مردم از اسرای رژیم بعث صدام
توسط گروه فدائیان اسلام



نقشه یادمان شهدای دشت ذوالفقاری آیدان



یادمان شهدای دشت ذوالفقاری



بازسازی منطقه عملیاتی دشت ذوالفقاری آبادان



انتقال ادوات نظامی غنیمتی به یادمان شهدای دشت ذوالفقاری



بازسازی صحنه تهاجم یگان زرهی دشمن به مردم بی دفاع



بازسازی ونوسازی سنگرهای شهدا در یادمان شهدای دشت ذوالفقاری



بازسازی صحنه تهاجم یگان زرهی دشمن به قصد تصرف شهر آبادان

قطعه‌ای از آسمان

از مجموعه
کتاب‌های

یادمان جنوب	۱- ارونند • ۲- آبادان • ۳- خرمشهر • ۴- شلمچه ۵- طلائییه • ۶- هویزه • ۷- بستان • ۸- سوسنگرد ۹- دهلاویه • ۱۰- شوش • ۱۱- اهواز • ۱۲- دزفول ۱۳- دوکوهه • ۱۴- فکه • ۱۵- دشت عباس • ۱۶- چزابه ۱۷- زید • ۱۸- جزیره مینو • ۱۹- ابوقریب و شرهانی ۲۰- جاده اهواز-خرمشهر • ۲۱- گلف (پایگاه منتظران شهادت) ۲۲- شرق کارون
یادمان‌های غرب و میانی	۱- دهلران • ۲- میمک • ۳- مهران • ۴- نفت شهر ۵- گیلانغرب • ۶- پادگان ابوذر • ۷- سرپل ذهاب ۸- قصر شیرین • ۹- تنگه مرصاد • ۱۰- کرمانشاه ۱۱- پاوه • ۱۲- سومار • ۱۳- چنگوله و چیلان ۱۴- بازی دراز
یادمان‌های شمالغرب	۱- سنندج • ۲- مریوان • ۳- بانه • ۴- سردشت • ۵- مهاباد ۶- نوسود • ۷- بوالحسن • ۸- بلفت - دوپازا ۹- پیرانشهر • ۱۰- اشنویه